

غزل شماره ۳۰۳

شمتُ روحِ وِدادِ وِشمتُ برقِ وِصال
یا که بویِ تو را میرم ای نیمِ شمال

احادیاً بحالِ الحیبِ قفِ وانزل
که نیست صبرِ جمیلِ ز اشتیاقِ جمال

حکایتِ شبِ بجرانِ فرو گذاشته به
به شکرِ آن که بر افکند پرده روزِ وصال

یَا کِه پَردهٔ کَلرِیزِ، مَفْتِ خانِهٔ چِشمِ

کَشیدِه اَیمِ بِه تَحْرِیرِ کارِ گاهِ خِیالِ

چو یارِ بر سرِ صلحِ است و عُدْمِ طَلَبِ

تو اَن کَذِشْتِ ز جَوْرِ رِقیبِ در هِمِه حالِ

بِه جِزِ خِیالِ دِهانِ تو نِیستِ در دَلِ تَنگِ

کِه کَسِ مِبادِ چو مَنِ در پیِ خِیالِ مَحالِ

قَسیلِ عِشْقِ تو شُدِ حَافِظِ غَریبِ، و لَیِ

بِه خَاکِ ما کَذِری کَنِ کِه خُونِ ماتِ حِلالِ

تفسیر فال

شب‌های هجران و جدایی که مدت‌ها در دل‌ها شعله‌ور بوده‌اند، اکنون به پایان رسیده‌اند و روزگار وصال و دستیابی به آرزوها و مرادهایی که در دل داریم، به وضوح نزدیک‌تر از همیشه به نظر می‌رسد. این زمان ارزشمند را غنیمت شمار و نقشه‌هایی که برای این روز خاص طراحی کرده‌ای، با عزمی راسخ عملی کن. در این مسیر، بهتر است حریفان و حسودانی را که شاید بر سر راه تو قرار دارند، ببخشی و دل آنها را با عطوفت پر کنی؛ چرا که بخشش نه تنها نشانه بزرگی روح است بلکه می‌تواند بار سنگین کینه را از دوش قلبت بردارد. همچنین نذری که کرده‌ای را با تمام وجود انجام ده تا این عمل خیر بتواند برکات لازم را برای رسیدن به مقصودت فراهم آورد و حلالیت باشد. بی‌شک پیوندی بین نذرها و موفقیت‌ها وجود دارد که همواره باید مورد توجه قرار گیرد.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)